

« گروه انقلابی خلق‌های افغانستان » (سازمان رهایی)

ادامه‌ی قبل

مبحث چهارم - بخش چهار

دانشمندی توصیه داشت اینطور:- « فراموش نکن قطاری که از ریل خارج شده، ممکن است آزاد باشد، ولی راه به جایی نخواهد برد... » (؟)

اشاره سه مبحث قبلی و بخش‌های اول، دوم و سوم بحث کنونی یکی پی دیگر، در فیسبوک و تارنمای « خراسان زمین » و سایت « گفتمان »، خدمت علاقمندان رویدادها و حوادث دهه‌های اخیر کشور، قبلاً به نشر رسید و هنوز جای واکاوی، گفتمان و ارزیابی در باره‌ی محتوای هر یک از آن بحث‌ها و بخش‌های یاد شده باقیست. در فرصت دیگر به ادامه‌ی واکاوی آن‌ها، خواهیم پرداخت. اکنون بخش چهارم-مبحث چهار را، زیر عنوان « گروه انقلابی خلق‌های افغانستان » و (سازمان رهایی) خدمتان تقدیم میداریم. همزمان خواهیم‌دید، شخصیت‌های واقف به مسائل، نظرات تعدیلی و تکمیلی خویش را در مورد، به بزرگوارشان، به گفته‌ی خردمندی « اگر بینی نابینا و چاه است / اگر خاموش بنشین گناه است » از ما دریغ نفرمایند.

داکتر فیض احمد (1946 - 1986م) از ولایت باستانی کندهار و یکی از کادرهای با هوش جریان شعله‌ی جاوید، در سال 1349 خ به عضویت کمیته مرکزی « سازمان جوانان مترقی » (جریان شعله‌ی جاوید) ارتقا یافت. یکی دو سال بعد در سال 1351 خ با تکی چند، با ارائه نوشته‌ی « طرد اپورتونیزم در راه انقلاب سرخ به پیش » با « سازمان جوانان مترقی » قطع رابطه کرد و تشکیلاتی را به نام « گروه انقلابی خلق‌های افغانستان » پی ریزی نمود.

متعاقب آن « محفل شمالی »، مربوط به عبدالمجید کلکانی، در سال 1353 خ به این گروه (گروه انقلابی خلق‌های افغانستان) پیوست. این دو تشکیلات (گروه و محفل)، صرف به ادغام کمیته مرکزی های یکدیگر اکتفا نموده و ادغام تشکیلاتی تا پایین عملی نگردید. دو جناح رهبری تشکیل دهنده‌ی « گروه انقلابی... » با دیدگاه نسبتاً متفاوت از یکدیگر، به تجارب انقلاب کشور چین و اندیشه‌های مانو تسه دون، در مبارزات افغانستان بیشتر توجه داشتند و عملی ساختن تجارب انقلاب مذکور را نسخه‌ی مفید به حال کشور و مردم افغانستان می پنداشتند و این گرایش را در ضدیت با دیدگاه سیاسی و ایدئولوژیک شوروی وقت پذیرفته بودند.

« گروه انقلابی... »، چند بار انشعاب را متحمل گردید. از جمله تعدادی در سال 1354 خ به رهبری انجنیر بریالی و داکتر عاکف بعد از انشعاب « سازمان مبارزه در راه تشکیل حزب کمونیست افغانستان » را ایجاد نمودند و نشریه‌ی را بنام « اخگر » به نشر سپردند، بعدها به همین نام (« سازمان اخگر »، شناخته شد « سازمان اخگر » دیدگاه و تعلیمات انور خواجه و تجارب آلبانی را دنبال میکرد.

« گروه انقلابی خلق‌های افغانستان » از بیم اصلاحات و ریفورم رژیم کودتای (هفت ثور 1357 خ) و تشویش از احتمال تصاحب طبقات متوسط و فقیر جامعه توسط رژیم، با حاکمیت از در سازش (تکتیکی) پیش آمد و کمیته مرکزی هر دو جناح (داکتر فیض احمد و عبدالمجید کلکانی) در « گروه انقلابی... » فیصله نمود تا عبدالمجید کلکانی، زندگی مخفی را ترک گوید و باب مذاکره و دید و وادید را با رهبری رژیم باز نماید. تا از این طریق سوء ظن رژیم نوپا از بابت مخفی بودن موصوف برطرف گردد. مطابق فیصله یاد شده عبدالمجید کلکانی، نخست با غلام دستگیر پنجشیری و بدنبال آن با حفیظ الله امین هم صحبت شد. دیری نگذشت و بعد سه ماه عبدالمجید، دوباره به زندگی مخفی باز گشت، همزمان عبدالقیوم رهبر برادر کلکانی - نفر دوم جناح عبدالمجید در « گروه انقلابی... »، به احتمال اینکه از

طرف رژیم گرفتار نشود، افغانستان را ترک گفت و همزمان « گروه انقلابی... » در پی تدارک جنگ مسلحانه علیه رژیم گردید و برای تحکیم تکیه گاه و پشتیبانی خارجی، هیئت دوفره را به نمایندگی دو جناح در رهبری « گروه انقلابی... » در خزان سال 1357 خ غرض مذاکره با رهبری حزب کمونیست و حکومت به کشور چین فرستاد. نسبت برخورد دوگانه اعضای هیئت مربوط به دو جناح (عبدالمجید و داکتر فیض احمد) در جریان مذاکره به ادامه اختلافات تشکیلاتی - سیاسی قبلی، باعث انشعاب در « گروه انقلابی... » گردید و عبدالمجید کلکانی و یارانش در زمستان 1357 خ « گروه انقلابی... » را ترک گفت.

« گروه انقلابی... » پس از تحمل سه انشعاب و بعد از خیزش‌ها و راه افتیدن جنبش‌های خود انگیزه مردم در مناطق مختلف کشور، مواضع قبلی خویش را تعدیل نمود و سندی را در بهار 1358 خ زیرعنوان (رویدادهای اخیر و مواضع ما)، جنبش‌های ملی و رهاییبخش خود انگیزه‌ی مردم را صبغه اسلامی داد و در پی ایجاد جمهوری اسلامی شد. با در نظر داشت همین موضعگیری « گروه انقلابی... » جبهه‌ی را بنام « جبهه مبارزین مجاهد » اعلان کرد و طرح کودتا را علیه رژیم نور محمد تره کی و حفیظ الله امین، با برخی از جناح‌های اسلامی و... مطرح ساخت تا شورش، قیام و کودتا روز چهارم اسد 1358 خ عملی گردد. یک روز قبل (روز سوم ماه اسد) با گرفتار دگروال ابراهیم نقشه کودتا افشا گردید و حرکت نظامی بالا حصار شکست خورد و طراحان کودتا، همکاران آن‌ها و زیادی از شخصیت‌های دیگر (از قضیه کودتا آگاهی نداشتند) به شمول داکتر فیض احمد، گرفتار و روانه زندان و کشتارگاه گردیدند. اما داکتر فیض احمد، روز 15 اسد از توقیف خانه صدارت رژیم فرار کرد و یا فرار داده شد. در ارتباط با چگونگی فرار داکتر فیض احمد، «بخشی کابل گروه انقلابی... = سازمان رهایی» با رهبری خویش بعداً مقاطعه کرد و تا هنوز چگونگی فرار داکتر فیض احمد در حاله ابهام باقیست؟! سرانجام داکتر فیض احمد، سر از کشور پاکستان برآورد و در آنجا مستقر گردید و به فعالیت سیاسی - نظامی ادامه داد.

به گفته‌ی برخی از منابع، داکتر فیض احمد و تشکیلات او از حمایه دیپلماتیک، مالی، سیاسی.. حزب و حکومت چین، برخوردار بود. « گروه انقلابی... » در سال 1359 نشریه را بنام « مشعل رهایی » به نشر سپرد و نام « گروه انقلابی... » را به « سازمان رهایی » تغییر داد. در این تغییر نام - کلمه « گروه » را به « سازمان » و کلمه‌های « خلق » و « انقلابی » را به « رهایی » تعویض نمود. « سازمان رهایی » انقلاب اسلامی را مورد تایید قرار داد. چون سیاست کلی بلاک ضد شوروی، نیروهای دیگر اندیش را نه پذیرفته بودند. همچنان « سازمان رهایی » به نقد نوشته قبلی خویش (« طرد اپورتونیزم در راه انقلاب سرخ به پیش ») پرداخت. چون زیادی از کدرها و اعضای جریان شعله جاوید قبلی از روی مجبوریت افغانستان را ترک گفته بودند و به کشورهای ایران و پاکستان پناه بردند و برای رضایت خاطر آن‌ها رهبری « سازمان رهایی » دست به چنین کار زد و از همین طریق با جذب شماری از فراریان « گروه » به « سازمان » ارتقا داده شد.

«سازمان رهایی» با استفاده از همکاری « حکومت چین » توانست زیر نام و پوشش « جبهات اسلامی » در داخل کشور نیروهای خود را جابجا نماید و در نبرد با قوت‌های رژیم، همچنان در اثر یورش تنظیم‌ها به خصوص حزب اسلامی حکمتیار، تلفات سنگین را متقبل گردید. « سازمان رهایی » نیز به ایجاد هسته‌های « شبه نظامی » در کشور پاکستان دست زد و با استفاده از انجوها، کمک‌های مالی کشورهای غربی را بنام مبارزه علیه شوروی دریافت نمود. « سازمان رهایی » با استفاده از « شبه نظامی » خویش در پاکستان به تصفیه حریفان درونی و مخالفین خود پرداخت و در این راستا داستان‌های در تاریخ خویش دارد. همین مسئله باعث شد تا « بخش اروپایی جبهه مبارزین مجاهد افغانستان - سازمان رهایی » علیه رهبری « سازمان رهایی » اعلان مخالفت نماید و در سال 1363 خ بخش اروپایی سازمان با « سازمان رهایی » مقاطعه کرد. قلم بدستان و نویسنده‌های جدا شده از «

سازمان رهایی «، شورای را بنام « شورای دموکراسی » پی ریختند و « شورا دموکراسی » نیز در امتداد فعالیت خویش به دو بخش منشعب گردید... «جبهه مبارزین مجاهد» (« سازمان رهایی »)، انجنیر خان محمد سمیع را به حیث مسوول «جبهه مبارزین مجاهد» مربوط سازمان رهایی) به مراجع تمویل کننده پاکستان جهت پیشبرد کارهای نظامی معرفی نموده بود. موصوف از بابت قتل‌های تصفیه وی رهبری « سازمان رهایی » نا راحت گردید و مدتی ترک سازمان کرد. در آخر با رهبری « سازمان رهایی » در تماس شد تا با موقف قبلی خویش به «سازمان رهایی» بازگردد و چنین شد. انجنیر خان محمد سمیع، در همکاری با افراد کمکی حزب اسلامی حکمتیار از جمله فضل الحق، در اختطاف و به قتل رساندن داکتر فیض احمد در 27 عقرب سال 1365 خ نقش بازی کرد. با گذشت کمتر از یکسال از قتل داکتر فیض احمد، در یک تصادم خونین درون سازمانی، لیلا (مینا کشور کمال) خانم داکتر فیض احمد، بنیانگزار « جمعیت انقلابی زنان افغانستان » (راوا) در 15 دلو سال 1365 خ با دو تن از اعضای « سازمان رهایی » به عمر 32 سالگی به قتل رسید. یکی از قاتلین با دو خواهر لیلا (مینا کشور کمال) و دختر داکتر فیض احمد، به کابل فرار کردند و از طریق استخبارات رژیم ببرک کارمل در « ریاست پنج خاد » جابجا گردیدند. چندی بعد قاتلین (احمد سلطان و محمد همایون) در پاکستان گرفتار بعد محاکمه اعدام شدند. با قتل داکتر فیض احمد و خانم اش لیلا (مینا کشور کمال) (سازمان رهایی » گرفتارانشعابات پی هم گردید. بقایای « سازمان رهایی» و « راوا » در شرایط بعد از 2001 م در حاکمیت‌های (موقت، انتقالی، انتخابی) حامد کرزی در پوشش غیر از « سازمان رهایی » و « راوا » فعالیت نمود و سر انجام بخش‌های از آنها زیر نام « حزب همبستگی » بارهبری عبدالخالق نعمت در 25 حمل 1383 خ در وزارت عدلیه راجستر گردید و نماینده گان « حزب همبستگی » در همایش‌ها و میزهای گرد سهم فعال داشته و موضعگیری فکری حزب خویش را بیان میدارند...

ادامه دارد

(تشنگان راه حقیقت و واقعیت...)

آدرس ایمیل فرزاد مجیدپور: majidpoor2@gmail.com